

اندیشه فلسفی ابن طفیل در داستان حی بن یقطان و دلالت‌های تربیتی حاصل از آن

علی ستاری*

چکیده

هدف این پژوهش بررسی اندیشه فلسفی ابن طفیل در داستان حی بن یقطان و شناسایی دلالت‌های تربیتی حاصل از آن است. در این پژوهش از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی استفاده شد. ابتدا به توصیف داستان حی بن یقطان و سپس به تحلیل فلسفه ابن طفیل و انعکاس آن در داستان حی بن یقطان اقدام شد و سپس از روی شواهد و نشانه‌های موجود در داستان به استخراج دلالت‌های تربیتی مبادرت شد. نتایج نشان‌دهنده آن است که طرح تربیتی ابن طفیل در داستان حی بن یقطان عمدتاً برگرفته از وضعیت، موقعیت و شرایط زمان او است که در آن کشمکش میان حامیان فلسفه و دین (عقل و شرع) در اوج خود قرار دارد. از این رو هدف از نوشتن حی بن یقطان بیش‌تر حول محور تبیین همین اختلاف شکل گرفته است. داستان جوابی است بر آراء ابن سینا، فارابی، ابن‌باجه و غزالی که طرفین اصلی این معارضه فلسفی هستند. در این راستا ابن طفیل در طرح تربیتی خود عناصر عقل، وحی و عرفان را با هم در می‌آمیزد و طرحی تلفیقی را در تربیت انسان از کودکی تا کهنسالی با رویکرد برقراری آشتی بین فلسفه، دین و عرفان ارائه می‌کند. در طرح تربیتی ابن طفیل، هدف از تربیت، شناخت خداوند و قدم نهادن در راه او و سرانجام فنا در وجود او است. در این مسیر تربیت از مرحله حسی و تجربی آغاز می‌شود و در مرحله تفکر و تعقل ادامه می‌یابد. سپس به مرحله کشف و شهود می‌رسد و سرانجام به فنا در وجود خداوند ختم می‌شود. جلوه‌های تربیت در داستان حی بن یقطان به سه صورت تربیت فردی، تربیت اجتماعی و تربیت دینی نمایان می‌شود که از آن میان تربیت فردی اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. در طرح تربیتی ابن طفیل اصول فردیت، تکلیف، تکامل و پیوستگی بین ظاهر و باطن استنباط‌پذیر است. با تکیه بر این اصول ابن طفیل روش‌های تربیتی تجربه، تفکر، تعقل و شهود را در داستان حی بن یقطان به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها:

اندیشه فلسفی؛ ابن طفیل؛ حی بن یقطان؛ دلالت‌های تربیتی

مقدمه

در حال حاضر نگاه تک بعدی به انسان در تعلیم و تربیت از جمله مسائلی است که اغلب نظام‌های تربیتی با آن مواجه هستند. در این میان رئالیست‌ها بر اصالت حس، ایدئالیست‌ها بر اصالت ذهن، اگزیستانسیالیست‌ها بر اصالت وجودی انسان و عمل‌گرایان بر اصالت عمل تأکید دارند. هر یک از تأکیدهای یاد شده باعث نگاهی یک سویه در شناخت انسان نسبت به خود و جهان شده و موانعی را در شناخت برای او فراهم می‌کند. از سوی دیگر شناخت ناقص و تک بعدی زمینه‌ساز تربیت تک ساحتی در انسان می‌شود که پاسخگوی تمامی نیازهای تربیتی او نیست و در پاره‌ای از موارد موجبات افراط و تفریط را فراهم می‌کند. لذا الگوهای چند ساحتی در تربیت انسان ضرورت می‌یابد.

شناسایی روش‌های تربیت در ضمن آراء و اندیشه‌ی فلاسفه مسلمان اهمیت دارد. خصوصاً زمانی که روش تربیتی، روشی مرکب از رویکردهای متنوع در تربیت باشد. موضوع حاضر از سه نظر اهمیت دارد؛ اول از آن جهت که به شناسایی روش تربیتی ابن‌طفیل اقدام می‌کند. فیلسوفی که کم‌تر به اندیشه‌های تربیت او توجه شده است؛ دوم از جهت تلفیقی بودن روش تربیتی مورد نظر او در داستان حی بن یقظان است که حاوی توجه به ابعاد مختلف تجربه، عقل، وحی و عرفان در تربیت اسلامی است؛ سوم به سبب استفاده ابن‌طفیل از قالب داستان به شیوه‌ای رمانتیک در تربیت است که به پیروی از سنت تربیتی قرآن انجام شده و در نوع خود از جمله روش‌های تربیتی مؤثر به حساب می‌آید.

ابن‌طفیل به‌عنوان یکی از فلاسفه اسلامی در غرب جهان اسلام، همراه با موقعیت ویژه‌ای که در حوزه سیاست و قضاوت به دست آورده، فرصت مناسبی را برای تلفیق چهار روش شناخت تجربه، عقل، وحی و عرفان در تربیت انسان ایجاد می‌کند. او در صدد برقراری آشتی بین دو طرف معارضه‌ای برمی‌آید که در زمانه او در یک طرف آن فارابی و ابن‌سینا درگرایش عمومی خود به عقل و در طرف دیگر آن غزالی و ابن‌باجه در گرایش عمومی خود به نقل قرار دارند. روش تلفیقی ابن‌طفیل که در داستان حی بن یقظان انعکاس یافته در نوع خود تلاشی در جهت نگاه چند جانبه‌نگر در تربیت انسان به شمار می‌آید و می‌تواند در برابر مسأله نگاه تک بعدی در تربیت انسان به کار گرفته شود. اهداف این پژوهش عبارت از بررسی اندیشه فلسفی ابن‌طفیل در داستان حی بن یقظان و استخراج دلالت‌های تربیتی حاصل از آن

بود. سؤالات عبارت هستند از اینکه مؤلفه‌های اندیشه فلسفی ابن طفیل در داستان حی بن یقظان چیست؟ و دلالت‌های تربیتی حاصل از فلسفه ابن طفیل در داستان حی بن یقظان کدام است؟ پژوهش از نوع کیفی بوده و از روش توصیفی - تحلیلی در آن استفاده شده است. در این راستا ابتدا به توصیف داستان، سپس به تحلیلی فلسفه ابن طفیل و انعکاس آن در داستان حی بن یقظان اقدام شد و سپس به استخراج دلالت‌های تربیتی از روی شواهد و نشانه‌های موجود در داستان مبادرت شده است.

به طور عمومی پژوهش در باب اندیشه فلسفی ابن طفیل اندک است. با این حال پژوهش‌هایی نیز انجام شده است. از جمله اولین پژوهش‌هایی که در باب محتوا و هدف داستان حی بن یقظان به عمل آمده پژوهش جی. هورانی^۱ (۱۹۵۶) است که در آن پژوهشگر به دنبال کشف هدف اصلی و نهایی از نوشتن داستان حی بن یقظان است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که هدف داستان، نمایش سیر رشد و تحول انسان از سطح دریافت‌های حسی ساده به سطح دریافت‌های رمزی و عرفانی است. حاوی^۲ (۱۹۷۳) به بررسی ویژگی‌های فلسفی داستان و همو (۱۹۷۴) به پژوهش در تجارب عرفانی داستان اقدام کرده‌اند. نوال محمد حسن (۱۹۸۰) پژوهشی را در مقایسه داستان حی بن یقظان با داستان رابینسون کروزوئه به عمل آورده است. این پژوهش با توجه به معیارهای ادبی اثر اجرا شده و ویژگی‌های فلسفی و تربیتی بررسی نشده است. کنراد^۳ (۱۹۹۹) در پژوهشی چشم‌اندازهای بین‌رشته‌ای^۴ را در داستان حی بن یقظان بررسی کرده است. با این حال در اثنای کار خود، بررسی ویژه‌ای پیرامون دلالت‌های تربیتی در داستان حی بن یقظان به عمل نیاورده است.

در ایران پژوهش‌ها درباره فلسفه ابن طفیل اندک است. ایرج دهقان (۱۳۵۱) مقاله‌ای را با نام «ابن طفیل و پیام او در حی بن یقظان» به نگارش در آورده و در آن به بررسی هدف نگاشته‌شدن حی بن یقظان اقدام کرده است. ابراهیمی دینانی (۱۳۶۷) مقاله‌ای با عنوان «ابن طفیل» به نگارش در آورده که به بررسی ویژگی‌های فلسفی، عرفانی و ادبی داستان اقدام کرده است. در این مقاله با وجود اینکه بابتی در موضوع اخلاق اختصاص یافته، اما دلالت‌های تربیتی

1. Hourani

2. Hawi

3. Konrad

4. Interdisciplinary

مستقیماً بررسی نشده است.

با نظر به توصیف‌هایی که از پژوهش‌های موجود به عمل آمد، پژوهشی یافت نشد که به فلسفه و دلالت‌های تربیتی را در حی بن یقظان بررسی کرده باشد.

شرح حال مختصر ابن طفیل: ابوبکر محمد بن عبدالملک بن طفیل القسی، در وادی «آش» و در قادیس^۱ در ایالت غرناطه به دنیا آمده است. مورخان تاریخ دقیق تولد او را ذکر نکرده و آن را بین ۴۹۵ تا ۵۰۵ هجری حدس زده‌اند (نقل از شمس‌الدین، ۱۹۸۰م: ۱۱). ابن طفیل به عنوان طبیب در غرناطه آغاز به کار کرد و به خاطر شهرتی که کسب کرد دبیر فرمانروای غرناطه و سپس دبیر خاص فرمانروای سبه و طنجه شد؛ یعنی دبیر یکی از پسران عبدالؤمن، که به عنوان اولین حکمران سلسله موحدین اسپانیا، مغرب (مراکش) را در سال ۵۴۲ق/۱۱۴۷م تسخیر کرد. او بعدها به مقام طبابت و قضاوت در دربار و وزارت خلیفه موحدین ابویعقوب یوسف ارتقا پیدا کرد (همان). ابویعقوب مردی فلسفه دوست بود و دربارش به محفلی از طرفداران فکر فلسفی تبدیل شده بود. نفوذ ابن طفیل بر ابویعقوب زیاد بود به طوری که ابن رشد را به ابویعقوب معرفی کرد و به ابن رشد توصیه کرد تا آثار ارسطو را تفسیر کند. او در سال ۵۷۸ق/۱۱۸۲م به علت کهولت سن از سمت طبابت خود استعفا کرد و ابن رشد را به عنوان جانشین خود به خلیفه توصیه کرد (صدیقی، ۱۳۶۲، ص. ۷۵۳). ابن طفیل همواره مورد توجه خاص دربار بوده است تا اینکه در سال ۵۸۱ق/۱۱۸۵م در حالی که مورد عنایت خاص ابویوسف المنصور فرزند ابویعقوب بوده وفات یافته است (شمس‌الدین، ۱۹۸۰، ص ۱۴).

موقعیت اجتماعی و سیاسی: ابن طفیل در دوران حکمرانی سلسله موحدین زندگی کرده است که به وسیله عبدالمومن تأسیس شده بود. این سلسله مدعی پیروی از مسلک غزالی در رعایت فقه ظاهریه بودند که به وحدانیت خداوند معتقد بوده‌اند و عقاید مشبهه در نظر آن‌ها کفر صریح به حساب می‌آمده است. از طرفی دیگر موحدین طرفدار دقیق ظواهر و شعائر دین بودند. همچنین به عنوان میراثی از ابن‌باجه، فلسفه را نوعی حقیقت باطنی نیز می‌دانستند که



مخصوصاً خواص بوده و عوام را به آن راهی نبود. آن‌ها معتقد بودند که آیات قرآن را نباید فراتر از حد تحت اللفظی آن به توده‌ها و عوام یاد داد. بنابراین، زمینه ذهنی ابن طفیل عمدتاً از چنین مذهبی تأثیر یافته و حی بن یقظان او چیزی جز دفاع از نحوه مواجهه موحدین با مردم و فلاسفه نیست (صدیق، ۱۳۶۲: ۷۷۵). با این حال ابن طفیل در کل معتقد بوده است که می‌تواند حقایق فلسفی و عرفانی را به یکدیگر نزدیک ساخته و بین آن‌ها تعادل ایجاد کند و به این ترتیب بین دین و فلسفه در سرزمین‌های اسلامی صلح برقرار کند. بنابراین، داستان حی بن یقظان را تحریر کرده که در آن یک فیلسوف به تصویر کشیده شده که به صورت خودآموز، با هوش و آگاهی کامل در یک جزیره استوایی بدون پدر و مادر و زبان و فرهنگ در حال رشد است و در آن حی دانش را از جنبه فنی و فیزیکی تا حقایق معنوی موجود در دین کشف می‌کند (نصر و لیمن، ۱۹۹۶: ۳۱۵). به این ترتیب او در صدد اثبات دیانت فطری در این داستان است (سعید شیخ، ۱۳۶۹: ۲۲۴) لذا به قرابت بین دین و فلسفه اذعان می‌کند.

داستان حی بن یقظان: معنای تحت‌اللفظی حی بن یقظان، «زنده بیدار» است. بعضی منظور از زنده را اشاره به بشر یا عقل او و مراد از بیدار را ذات باری تعالی یا عقل الهی دانسته‌اند و این مطلب را به این آیه از قرآن کریم نسبت داده‌اند: «لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (بقره، ۲۵۵). خداوند را نه خواب سبک فرا می‌گیرد و نه خواب سنگین (کاظم زاده، ۱۳۸۴: ۳). برخی هم در برداشتی دیگر حی بن یقظان را به انسان فیلسوف تأویل کرده‌اند (محمود عباس، ۱۹۸۳: ۷۲-۷۳) محتوای داستان، موضوع وجود و تکامل انسان است. حی در یکی از جزائر هند، نزدیک به خط استوا، از قطعه گلی بزرگ متولد می‌شود که مخمر شده و شایسته آن بوده است که اعضای انسان از آن به وجود بیاید و وقایعی برای او اتفاق می‌افتد (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۱۵۳ - ۳۹).

در زیر خلاصه داستان می‌آید:

«در جزیره‌ای که در برابر جزیره دیگر واقع بود، خواهر پادشاه با مردی که او را شایسته می‌دانست پنهانی ازدواج کرد و از او طفلی متولد شد. خواهر پادشاه از بیم برادر طفل را با تکه چوبی به دریا افکند و آب دریا آن را به جزیره مقابل برد. ماده آهویی که بچه‌اش را عقاب

ر بوده بود، ناله طفل را شنید و شیرش داد و تربیتش کرد. سال‌ها گذشت تا اینکه ماده آهو پیر و ناتوان گردید. روزی مرگش فرا رسید و حرکاتش به سکون گرایید و یکباره از کار افتاد. حی به فکر فرو رفت و از اینجا سؤالات گوناگون برایش شروع شد تا اینکه علت مرگ را در ناحیه قلب آهو شناسایی کرد. وقتی از زنده شدن او ناامید شد، تن آهو را به خاک سپرد. او باید خود ادامه طریق حیات می‌داد. با به هم سودن نی‌های پوریا به وجود آتش پی برد. بعد از آن وسایلی تهیه کرد و خانه‌ای ساخت. رفته رفته در اشیاء محیط خود دقت فراوان نمود تا اینکه به طبقات اشیاء پیرامونی از جماد گرفته تا نبات، حیوان و انسان پی برد. در این حین به شناخت عالم روحانی و مراتب نفوس در این طبقه بندی واقف شد و به چگونگی معرفت اسباب و علل نائل آمد. در اجرام سماوی تأمل کرد. تأملاتی در حدوث عالم به عمل آورد و سرانجام به حدوث عالم معتقد شد.

در کنار جزیره‌ای که حی در آن زندگی می‌کرد، اوضاع دگرگون بود. اجتماعی بود با مردمانی و حاکمی که به صورت گروهی زندگی می‌کردند. در آن جزیره دو جوان خیرخواه فضل دوست یکی به نام سلامان و دیگری به نام ابدال زندگی می‌کردند. آن‌ها به دین پیامبر بودند و گاهی در صفات خداوند و ملائکه و ثواب و عقاب اجتهاد و تفقه می‌کردند. ابدال در باطن شریعت ژرف‌تر و داناتر و از معانی روحانی آگاه‌تر بود. اما سلامان به حفظ ظاهر شریعت مایل‌تر و از تأویل دورتر و در تأمل محتاط‌تر بود. ابدال وصف جزیره همسایه را با طبیعت بکر و دست نخورده‌اش شنیده بود. لذا عزم عزلت در آن جزیره را کرد. او به آن جزیره رفت و به پرستش و تعظیم و تقدیس خداوند پرداخت. روزی حی در طلب غذا از مغاره‌اش بیرون آمد تا اینکه چشم ابدال به او افتاد. در حالی که او پوست حیوانات پشمین را بر تن کرده و موی بلندی داشت.

آن‌ها با یکدیگر هم صحبت شدند. اما ابتدا زبان یکدیگر را نفهمیدند تا اینکه ابدال همت بست تا تکلم و علم و دین را به او بیاموزد. در اثنای مرافقت، ابدال پی برد که آنچه درباره خدا و ملائکه و کتب آسمانی و پیامبران و روز قیامت و بهشت و جهنم در دین و آیین او آمده مثال و نموداری است از آنچه حی مشاهده نموده است. لذا معقول و منقول در نظرش مطابق آمد و دانست که امور فطری در انسان مشابه هم است و در همه آیین‌ها یکی است.

وجود اجتماع در جزیره همسایه از طرف ابدال بر حی آشکار گردید و حی طمع بر نجات



مردم گمراه آن جزیره بست. رئیس جزیره سلامان بود. همان که ملازمت جماعت را واجب و عزلت را حرام می‌دانست. حی و ابسال به جزیره در آمدند. حی به تعلیم مردمان جزیره پرداخت و اسرار و رموز را به آن‌ها آموخت. وی رفته رفته فهمید که از میان عام جز عده‌ای اندک و نادر به سعادت اخروی نمی‌رسند. لذا قصد بازگشت به جزیره قبلی و گرفتن گوشه‌ی عزلت را کرد. در این راه ابسال نیز او را همراهی کرد و به مقام او رسید. سرانجام هردو در آن جزیره به عبادت مشغول بودند تا مرگشان فرا رسید.» (همان).

فلسفه ابن طفیل: کوشش فلسفی ابن طفیل به میزان زیادی با وضعیت، موقعیت و شرایط زمان او گره خورده است. مشکلی که اهل نقل (وحی) و اهل عقل با آن دست به گریبان بوده اند (شمس الدین، ۱۹۸۰: ۱۹). لذا تلاش ابن طفیل بیش‌تر حول محور تبیین اختلاف میان فلسفه، دین و عرفان شکل گرفته است. ابن طفیل بر آن بوده است که می‌تواند حقایق فلسفه و دین را به یکدیگر نزدیک کرده و بین آن‌ها تعادل ایجاد کند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۹، گودمن، ۱۹۷۲) از این‌رو او داستان حی بن یقظان را در جواب به آراء ابن‌سینا، فارابی، ابن‌باجه و غزالی نوشته و سعی بر آن داشته است تا بین فکر فلسفی آن‌ها فاصله‌ها را تحید کند. (محمود، ۱۹۹۹: ۶) می‌توان هدف از نوشتن داستان فلسفی و تربیتی حی بن یقظان را تلاش برای نشان دادن توافق میان عقل و شرع یا فلسفه و دین دانست.

در این قسمت بیش‌تر فلسفه ابن‌طفیل با تکیه بر مبانی فلسفی او معرفی می‌شود.

هستی‌شناسی: هستی‌شناسی ابن‌طفیل شباهت بسیاری به هستی‌شناسی اشراقی دارد. به طوری که وجود اصیل از نظر او نور است. در این طریق او مانند ابن‌سینا این اصل را می‌پذیرد که «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» و به شیوه‌ای نوافلاطونی، به ظهور موجودات کثیر از وجود واحد معتقد است و ظهورات کثیر را همان تجلیات پیوسته نور الهی می‌داند. چنان‌که نور خورشید که در آینه‌ها، از آینه‌ای به آینه‌ای دیگر متکثر می‌گردد.^۱ این انواع کثیر نهایتاً به یک منبع واحد باز می‌گردد که نور اصلی است (صدیقی، ۱۳۶۲). از این‌رو موجود اصیل و ازلی

۱. یاد آور آیه: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ... نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ (نور، ۳۵)

خداوند است که نور است و جهان و مخلوقات نورهای متکثر از وجود او هستند. این انوار در فلسفه وجودی خود به همان نور اصلی و حقیقی بازگشت دارند. بنابراین، می‌توان گفت به طور کلی هستی‌شناسی ابن‌طفیل همان هستی‌شناسی فلاسفه اسلامی با گرایش تام به سمت وجودشناسی اشراقی است.

طبیعت‌گرایی از دیگر ویژگی‌های هستی‌شناختی ابن‌طفیل در داستان حی بن یقظان به حساب می‌آید. در این داستان حی از خوردن گوشت پرهیز کرده و یک گیاه خوار تمام عیار است. او به حیات حیوانی و گیاهی احترام خاصی قائل است. فقط میوه رسیده می‌خورد. دانه را با عقیده خالص در خاک می‌کارد. تا هیچ نوعی از آن به واسطه حرص او از بین نرود. (سعید شیخ، ۱۳۶۹: ۲۲۶ - ۲۲۷) بدینسان ویژگی‌های هستی‌شناختی ابن‌طفیل را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد.

۱- ابن‌طفیل به وجود خداوند به عنوان علت اصلی جهان آفرینش و انسان معتقد است و به خالقیت او اذعان می‌کند.

۲- در هستی‌شناسی او وجود طبیعت به عنوان امری واقعی^۱ یک اعتقاد مرکزی به حساب می‌آید.

۳- ابن‌طفیل قائل به وحدت هستی است. چرا که در هستی‌شناسی او موجودات متکثر از طریق پیوستار نور متکی به وجود غایی و هستی بخش است که نورالانوار است و نورالانوار در ذات خود واحد است.

معرفت شناسی: ابن‌طفیل در داستان حی بن یقظان به دنبال تبیین امور فطری به‌عنوان عوامل اصلی شناخت در وجود انسان است. لذا هدف او تبیین کیفیت حصول معرفت بدون هیچ آموزگاری تا واپسین مدارج کمال و عرفان حق است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۰ - ۱۴۵) از دیدگاه او امور فطری در وجود همه آدمیان بالسویه به ودیعه گذاشته شده و سبک شناخت آدمیان به واسطه این امور فطری یکسان است. سعید شیخ معتقد است که داستان حی بن یقظان به صراحت بر این نکته اذعان دارد که دیانت به طور فطری امکان‌پذیر است (سعید شیخ، ۱۳۶۹: ۲۲۴). بنابراین، روح در حالت اولیه خود لوحی سفید نیست. بلکه نقش خداوند

در آن ترسیم یافته است. اما برای ظهور نقش خداوند ذهنی پاک و خالی از تعصب و پیش داوری لازم است (همان). در این راستا ابن طفیل در طرح داستان حی بن یقظان، ظهور و رشد حی در جزیره را در تنهایی او به تصویر می‌کشد (ابن طفیل، ۱۵۳: ۱۳۸۱ - ۳۹) گینیس معتقد است که حی به عنوان قهرمان اصلی داستان از راه مرگ آهو به کشف خود^۱ نائل می‌شود (مک گینیس، ۲۰۰۷: ۲۸۴). گویی به حقیقت نفس یا روح و بود و نبود آن پی برده باشد. این شیوه ابن طفیل در تربیت فردی حی در جزیره نشانه اعتقاد به فطرت در وجود آدمی است. بدینسان او می‌خواهد نشان دهد اولاً شناخت امری فطری و ذاتی در انسان است. ثانیاً امکان شناخت بدون نیاز به پیش داوری‌ها و تعصبات افراد و بر اساس فطرت دست نخورده برای انسان میسر است.

از دیدگاه ابن طفیل در مسیر معرفت، جمع بین سه نقش تجربه، تعقل و جذب لازم است. هرچند عملکرد هر کدام از این نقش‌ها جداگانه انجام می‌شود، اما در نهایت نوعی انسجام بین آن سه به وجود می‌آید که برای شناخت اصیل و واقعی لازم است (صدیقی، ۱۳۶۲: ۷۶۳). به طوری که حی ابتدا امور اولیه زیستن را به تنهایی در طبیعت تجربه می‌کند. سپس به حضور ابدال در آمده، به تعقل در باب هستی و هستی آفرین اقدام می‌کند. پس آنگاه به عزلت گراییده و راه جذب عرفانی را در شناخت هستی بخش پی می‌گیرد. ابن طفیل در آخر داستان، حی را از ادامه ارشاد مردمان عامی وارهانده و او را همراه با ابدال به جزیره قبلی باز می‌گرداند. آن‌ها را مشغول عبادت ساخته و در فرجام داستان، سرنوشت آن دو را در حالی به پایان می‌رساند که به مقام حقیقی شناخت یعنی فنای در وجود خداوند گره خورده‌اند (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹ - ۱۵۳) بدینسان در معرفت‌شناسی ابن طفیل برای شناخت تنها تهذیب نفس کافی نیست، بلکه تجربه و تعقل هم لازم است. در این راستا هدف ابن طفیل در داستان این است که آمیزه‌ای از فلسفه، دین و عرفان را با هم ارائه کند. هرچند فلسفه جذب را عالی‌ترین شکل معرفت به حساب می‌آورد، اما راه وصول به آن را پرورش تجربه و قوه تعقل توأم با تزکیه نفس می‌داند. لازم به یادآوری است که ابن طفیل نقش و تأثیر آموزه‌های وحی را در شناخت انسان، مفروض دانسته و در ضمن داستان به نقش وحی در شناخت تأکید دارد. بررسی‌ها نشان‌دهنده روابط محتوایی و معنایی میان قرآن و داستان حی بن یقظان است

1. Self Creation

(طاهری نیا و قیاسوند، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۳۸). در این راستا استفاده از عناصر داستان‌های قرآنی همچون انداختن حی در آب به تأسی از انداختن موسی (ع) به وسیله مادرش به آب و دفن جسد آهو به تأسی از دفن کلاغ در قرآن در داستان هابیل و قابیل را می‌توان مثال زد. (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳) ابن طفیل در جایی دیگر ابدال را آشنا به آموزه‌های وحی معرفی می‌کند و حی را در دریافت این آموزه‌ها از ابدال مشتاق نشان می‌دهد (همان). با توجه به آنچه گفته شد، نتایج زیر از معرفت‌شناسی ابن طفیل در این داستان حاصل می‌آید:

- ۱- از نظر معرفت‌شناسی ابن طفیل به فطرت مشترک میان انسان‌ها به عنوان منبع شناخت اعتقاد دارد و انسان را دارای فطرتی پاک و دست نخورده می‌داند.
- ۲- معرفت حسی و تجربی را مقدمه شناخت عقلانی می‌داند.
- ۳- به طبیعت به عنوان عامل بیداری فطریات درونی انسان نگاه می‌کند. لذا به نقش محرک‌های طبیعی در شناخت توجهی ویژه دارد.
- ۴- مراحل شناخت از تجربه و دریافت حسی شروع می‌شود و با شناخت عقلانی ادامه می‌یابد و آنگاه به مرحله کشف و شهود می‌رسد.
- ۵- از جمله منابع معرفت و شناخت در داستان حی بن یقظان وحی است. ابن طفیل وحی را برای مردمان عادی و دل را برای مردم خواص توصیه می‌کند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۴۵).

انسان‌شناسی: در بعد انسان‌شناسی، ابن طفیل برای انسان ویژگی‌های فطرت، جسمانیت، عواطف، عقل، فردیت و اجتماعی بودن را قائل بوده و معتقد است که هر یک از این جنبه‌ها در طی مراحل رشد انسان نمود بیش‌تری پیدا می‌کنند؛ مثلاً در دوران کودکی، بعد جسمی و در دوران بزرگسالی او ابعاد عقلی و اجتماعی غالب می‌شود. هر یک از شخصیت‌های داستان یعنی حی، ابدال و سلامان الگویی متمایز از دیگری به شمار می‌آید. حی نماد یک فیلسوف متفکر است که به کسب هدایت از عالم علوی نائل می‌شود و پس از طی مراحل عروج به مرحله اتحاد با عقل فعال و پس از آن به اتحاد با خداوند می‌رسد. دوم ابدال است که نماد یک متکلم متفکر است که در کوشش است تا زبان قرآن را تفسیر و تسهیل کند. سوم سلامان است که نماد انسانی است پایبند به عقاید دینی و به انجام مراسم عرفی دین مشغول است



(سعید شیخ، ۱۳۶۹: ۲۲۵ - ۲۲۶). بعد فردی انسان از بعد اجتماعی او برتر است. ابن طفیل برای انسان، عقلی رشد یابنده در نظر می‌گیرد که در نهایت به رشد و کمال انسان می‌انجامد. آزادی انسان برای ابن طفیل در چهارچوب تکالیف و وظایف الهی قابل تعریف است. چرا که انسان مورد نظر ابن طفیل موحد است.

و مقصد نهایی انسان خداوند است. در انسان‌شناسی ابن طفیل، انسان به صورت فردی رشد می‌کند و با گذری کوتاه به اجتماع، دوباره به حیطة فردی و خلوت خویش باز می‌گردد. بدین سان درباره انسان ویژگی‌هایی به شرح زیر در داستان حی بن یقظان را می‌توان استنباط کرد:

۱- انسان دارای فطرت است که در صورت وجود زمینه‌های لازم و کافی برای رشد، به هدفش از خلقت خواهد رسید و عقل انسان نتیجه رشد فطرت است (فرایند شناخت حی از آغاز تا انجام سرنوشتش که بدون تربیت مدرسه‌ای شکل می‌گیرد).

۲- انسان دارای جسمی است که به غذا، پوشش و سایر ملزومات جهت رشد جسمی و حفظ جسم نیاز دارد (در تحصیل غذا و پوشاک و اقلام شکار و زندگی به وسیله حی).

۳- انسان دارای عواطف و احساساتی است که در نتیجه برخورد او با محیط حاصل می‌شود (در تحریک‌پذیری حی به هنگامی که ماده آهو با مرگ مواجه می‌شود).

۴- انسان دارای بعد فردی است که از آن به نفس تعبیر می‌شود و آن نیازمند امنیت، عاطفه، بقاء و حیات است (زندگی حی در تنهایی جزیره و بازگشت مجدد او از اجتماع به عزلت و تنهایی).

۵- انسان دارای انگیزه‌ها و نیازهایی به شرح زیر است:

۶- انسان دارای بعد اجتماعی است که اشتغال به آن به مردم عامی داده شده است (بیرون رفتن از عزلت و رفتن او به میان اجتماع و مردمان، زندگی کردن با آن‌ها و ارشاد آن‌ها) (شمس‌الدین، ۱۹۸۰: ۴۱)

- انگیزه حفظ بقا (در تلاش حی برای زنده ماندن در جزیره)

- انگیزه علاقه مفرط به کشف محیط (حس کنجکاوی حی در شناسایی و کشف محیط)

- انگیزه تفکر و تأمل (تفکر در ماهیت مرگ و زندگی به هنگام مرگ ماده آهو)

- نیاز به عاطفه (که در اثر حرمان آهو و مرگ او در وجود حی برانگیخته شد).

- نیاز به زمینه‌ای برای معرفت (که در ارتباط و تماس حی با محیط طبیعی نشان داده شد).
(همان: ۴۴ - ۴۳)

ارزش‌شناسی و اخلاق

اخلاق در نظر ابن‌طفیل امری است معقول که در ارتباط با غایت وجودی اشیاء تحقق می‌پذیرد. لذا اخلاق مورد نظر او اخلاقی طبیعی است و بر طبیعت استوار است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۴۵) از این رو هر آنچه که مانع ارتباط انسان یا اشیاء با غایت وجودیشان شود، غیر اخلاقی است. لذا ابن‌طفیل در داستان حی‌بن‌یقظان رابطه انسان با دنیا و سیاست عملی آن را کم رنگ می‌سازد و در عوض خیر انسانی را تنها شامل فعالیت (نظری) فلسفی می‌داند. چنانچه بخواهیم با ادبیات افلاطونی سخن بگوییم، ابن‌طفیل، بازگشت به غار را [که مانع رسیدن به غایت وجودی انسان آگاه و دانا است] آن چنان خطرناک و نگران‌کننده تصور می‌کند که با کمی اختلاف به فرد خواهان سعادت توصیه می‌کند که در انزوا زندگی کند (فرانک، ۱۹۹۶: ۹۵۹-۹۶۸). ابن‌طفیل بر تأثیر اجرام سماوی بر طینت پاک انسان و حتی بر شکل ظاهری بدن و البسه انسان معتقد است. شاید او این اصل را تحت تأثیر این آیه از قرآن پرورنده است: «بگو بنگرید در آسمان‌ها و زمین که چیست؟ و نشانه‌ها و هشدارها گروهی را که ایمان نمی‌آورد سود نمی‌بخشد»^۱ در نظر او روح مثل آتش است و به اجرام سماوی نزدیک است. این برداشت ابن‌طفیل به طبقه‌بندی ارسطویی او از اشیاء طبیعت مربوط می‌شود. بدین سان او اشیاء را به جماد، نبات و حیوان تقسیم می‌کند و در می‌یابد که همه اشیاء در جسمیت با هم مشترکند، اما در کارکردها با یکدیگر فرق دارند. لذا برای هر یک از طبقات، میزانی از روح را متصور می‌شود. از این رو عروج عرفانی او از طریق ارضای هر سه جنبه طبیعت انسان یعنی تأسی به افعال حیوانات، اجرام سماوی و خداوند رخ می‌دهد. درباره انسان از سطح حیوان بالاتر رفته و به غایت اندیشی می‌پردازد. نیل به این معنی او را به جوهر غیر مادی خود آگاه می‌کند که آن باید برتر از مادیات و جسم باشد. بدین سان کمال تربیت را در وجود غایی می‌یابد (صدیقی، ۱۳۶۲). تقلید از حیوانات و رفتار کردن مانند آنها به قصد حراست از روح حیوانی انجام می‌شود. تأسی به اجرام سماوی، انسان را در پاکیزه داشتن بدن

۱. قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ. یونس/۱۰۱



و لباس، محبت به موجودات جاندار و بی‌جان، اندیشه دربارهٔ ذات الهی و منقلب نمودن ذات خویش تقویت می‌کند. در مرحلهٔ سوم، انسان خود را با صفات سلبی و ثبوتی خداوند آشنا می‌سازد. با طی این سه مرحله او نسبت به خود، دیگران و خداوند خویش ادای تکلیف می‌کند که این از لوازم تهذیب است (همان). در زیر پاره‌ای از ویژگی‌های ارزش شناختی و اخلاقی ابن طفیل در داستان حی بن یقظان آمده است:

- ۱- ابن طفیل طبیعت را پایه و مبنای حرکت انسان برای رسیدن به سعادت تلقی می‌کند و به ارزش طبیعت در تأثیرش بر رشد و تعالی انسان تأکید می‌کند.
- ۲- او نقش خداوند را در رسیدن انسان به سعادت و ارادهٔ او را شرط سعادت حقیقی انسان به حساب می‌آورد.
- ۳- به «اصل تکلیف» در بحث اخلاقی اشاره داشته و همزمان به ادای تکلیف نسبت به «خداوند»، «خود» و «دیگران» تأکید می‌کند.
- ۴- به ارزش «محبت» و «نیکویی» و داشتن صفات نیکو اشاره دارد.
- ۵- سعادت و ارزش غایی در نظر ابن طفیل رسیدن به وجود غایی یعنی خداوند است.

دلالت‌های تربیتی

با توجه به بررسی انجام شده در مبانی فلسفی و فکری ابن طفیل در داستان حی بن یقظان، که شرح آن گذشت، می‌توان عناصر و مؤلفه‌های زیر را در نظام تربیتی مورد نظر ابن طفیل استنباط کرد:

هدف تربیت

هدف تربیتی ابن طفیل ریشه در هستی‌شناسی و جهان‌بینی او دارد. از آنجا که او یک فیلسوف مسلمان است، هدف تربیتی مورد نظر او تحت تأثیر آموزه‌های وحی و با گرایش به تلفیق میان عقل، دین و عرفان قرار دارد. بدینسان هدف مقدماتی، شناخت حسی و طبیعی، هدف واسطی تفکر در صفات ثبوتیه و سلبيه خداوند و هدف غایی، شناخت باری تعالی و فنا شدن در وجود او است. این هدف را ابن طفیل در سرانجام و سرنوشتی که برای حی و ابدال در جزیره‌ای که حی در آن رشد یافته، به تصویر می‌کشد. سرانجامی که طی آن ابدال و حی ابتدا جهان حسی

و طبیعی و مردم اجتماع را تجربه می‌کنند. آنگاه در آموزه‌های وحی و صاحب وحی تأمل می‌کنند و در آخر از جهان مادی چشم پوشیده، گوشه عزلت می‌گیرند و به کار عبادت مشغول می‌شوند. تا اینکه مرگشان فرا می‌رسد و در همان حال عزلت و عبادت از دنیا می‌روند (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳).

مراحل تربیت

ابن طفیل در تربیت حی سه مرحله کلی حسی (ظاهری)، عقلی و غیرحسی (باطنی) را در نظر گرفته است.

۱- **تربیت حسی و تجربی:** در این مرحله حی با محیط طبیعی اطراف خود در جزیره تماس حاصل کرده و با آن آشنا می‌شود. حی در تلاش برای ماندگاری خود پس از مرگ ماده آهو شروع به مبارزه و انس گرفتن با طبیعت جزیره می‌کند و به شیوه‌ای حسی و تجربی در تماس و تعامل با طبیعت به ادامه حیات می‌پردازد. او در این راه تجارب مستقیم و عینی فراوانی را کسب می‌کند. تجاربی همچون روشن کردن آتش و پختن غذا، استفاده از چوب‌دستی برای شکار، مبارزه با گرما و سرما، ساختن خانه و تهیه لباس و امور حسی دیگر که به یادگیری آن‌ها اقدام می‌کند. همچنین رفتن حی به همراه ابسال به میان مردمان و زندگی در اجتماع وجه دیگری از شناخت ظاهری برای حی به شمار می‌آید. از این رو تجربه روزمرگی و زندگی عادی با مردمان در اجتماع برای حی تجاربی شناختی از نوع ظاهری پدید می‌آورد (همان).

در تربیت مورد نظر ابن طفیل نوعی عمل‌گرایی توأم با تجربه‌گرایی به چشم می‌خورد. رشد و پرورش حی در طبیعت پس از مرگ ماده آهو و به تصویر کشیدن تجارب پی در پی نشانه توجه ویژه ابن طفیل به تجربه و عمل است. حی در مسیر ادامه حیات خویش با طبیعت و محیط تعامل می‌کند و مسیر تطبیق خود با محیط، تجارب زیادی را کسب می‌کند. بدینسان ابن طفیل تجربه را یک اصل در تربیت تلقی کرده و آن را امری فطری به شمار می‌آورد که لوح سفید ذهن انسان قادر به بازشناسی دانش آن است (راسل، ۱۹۹۹: ۲۲۴-۲۶۲). این برداشت یادآور نظریه تجربه‌گرایی جان لاک در تربیت کودک است که طی آن لاک معتقد است ذهن



کودک همچون لوح سفیدی نانوشته است که طی زمان و بر اثر تجربه تصورات او شکل می‌گیرد (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۱۱۵)، از آنجا که از نظر زمانی جان لاک بعد از ابن‌طفیل بوده است، او در نوشتن کتاب «تحقیق درباره فهم آدمی» از داستان حی بن یقظان الهام گرفته است. (راسل، ۱۹۹۹: ۲۲۴-۲۶۲)

۲- **تربیت عقلی:** در این مرحله تربیت با تأکید بر پرورش تفکر و تعقل برای شناخت خود، جهان و خداوند انجام می‌شود. ابراهیمی دینانی معتقد است با توجه به مقدمه داستان می‌توان گفت که مراد ابن‌طفیل در داستان حی بن یقظان تبیین ضرورت استفاده از عقل و استدلال برای دستیابی به کمال انسانی است. هر چند طریق عقل و استدلال برای عامه مردم مقدور نیست، اما خواص می‌توانند از راه تعقل به شناخت نائل آیند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۴۵).

۳- **تربیت شهودی:** مرحله نهایی تربیت در داستان حی بن یقظان، سلوک و شهود عرفانی و شناخت رمزی است. در این مرحله حی به تربیت اصیل دست‌یافته و به شناخت حقیقی یعنی شناخت باری تعالی نائل می‌شود.

انواع تربیت: در داستان حی بن یقظان سه نوع تربیت در جنبه فردی، در وجه اجتماعی و در شکل دینی مطرح است.

۱- **تربیت فردی:** حی در کشمکش با طبیعت و تطبیق‌دادن خود با آن، از طرفی به تعامل فردی با محیط اطراف خود اقدام می‌کند و از طرفی دیگر به مقوله‌های غیر مادی ابعاد وجودی خود آشنا می‌شود که او را به شناخت فطری و معنوی خویش واقف می‌کند، همان شناختی که از طریق شهود به دست می‌آورد. بدینسان تربیت فردی در داستان حی ابتدا جنبه‌ای حسی دارد. در مرحله دوم تربیت فردی جنبه‌ای باطنی و شهودی پیدا می‌کند که بر بعد معنوی وجود انسان تکیه دارد. از نظر ابن‌طفیل بعد مادی و معنوی وجود انسان توأمان در تربیت لازم است. به طوری که بعد مادی و حسی انسان مبنایی برای رشد بعد معنوی او به حساب می‌آید. از این‌رو در فضای داستان، حی در جزیره‌ای بدون پدر و مادر رها است تا خود در دامن طبیعت

رشد یابد (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳). تا زمانی که جرقه‌های شناخت فطری، ذهن او را به ابعاد معنوی وجودش متوجه کند.

۲- تربیت اجتماعی: تربیت اجتماعی مورد نظر ابن طفیل در داستان حسی بن یقظان جایی مطرح می‌شود که حسی به وسیلهٔ ابدال از وجود گروهی از آدمیان در جزیرهٔ همسایه با خبر می‌شود و حس وظیفه او را وادار می‌کند تا به میان مردمان آن جزیره برود و آن‌ها را از رموزات شناخت شهودی و عرفانی آگاه کند. حسی با شور و اشتیاق تمام به جزیرهٔ ابدال می‌رود تا به مردم بگوید که چگونه دین خود را بدون توجه به منبع آن و از راه فطرت درونی و در قالب رموز شهودی تجربه کنند (لیمن، ۲۰۰۶: ۳۱۷). هرچند حسی شوق وافری برای تربیت اجتماعی از خود نشان می‌دهد، اما در این راه موفقیتی به دست نمی‌آورد و مردمان را در شناخت اسرار و رموز حق ناتوان می‌بیند. لذا از هدایت آن‌ها ناامید شده و عزم رجعت به جزیرهٔ خویش را می‌کند تا به تربیت نفس فردی اقدام کند. در این باره در داستان آمده «حسی به تعلیم مردمان جزیره پرداخت و اسرار و رموز را به آن‌ها آموخت. وی رفته رفته فهمید که از میان عام، جز عده‌ای اندک و نادر به سعادت اخروی نمی‌رسند. لذا قصد بازگشت به جزیره قبلی و گرفتن گوشه عزلت را کرد.» (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳). در اینجا بازگشتی از مرحلهٔ تربیت اجتماعی به مرحلهٔ تربیت فردی حاصل می‌شود. لیکن تفاوت ریشه‌داری در این نوع تربیت با تربیت فردی مرحلهٔ حسی به چشم می‌خورد. در این نوع از تربیت، نفس در سطحی بالاتر از حسی قرار دارد. تربیتی که در نهایت به اتصال حقیقت اصیل یعنی خداوند منتهی می‌شود.

۳- تربیت دینی: نوع دیگر تربیت در داستان حسی بن یقظان تربیت دینی است. این نوع از تربیت با تکیه بر وحی و با پیروی از ظاهر شریعت انجام می‌شود. سلامان نماینده یک تربیت یافته دینی در داستان است. کسی که به ظاهر شریعت تکیه دارد و تابع محض است. در این باره در داستان آمده: «رئیس جزیره سلامان بود. همان که ملازمت جماعت را واجب و عزلت را حرام می‌دانست.» (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳) در جایی دیگر آمده «در آن جزیره دو جوان خیرخواه فضل دوست یکی به نام سلامان و دیگری به نام ابدال زندگی می‌کردند.



آن‌ها به دین پیامبر بودند و گاهی در صفات خداوند و ملائکه و ثواب و عقاب اجتهاد و تفقه می‌کردند. ابراهیم در باطن شریعت ژرف‌تر و داناتر و از معانی روحانی آگاه‌تر بود، اما سلامان به حفظ ظاهر شریعت مایل‌تر و از تأویل دورتر و در تأمل محتاط‌تر بود» (همان). هر یک از شخصیت‌های یادشده نماینده نوعی از تربیت دینی در داستان به شمار می‌آیند.

اصول تربیت

در بررسی فلسفه ابن طفیل در داستان حی بن یقظان، اصول تربیتی زیر استنباط و استخراج می‌شود:

۱- **اصل فردیت:** ابن طفیل به رابطه میان فرد و اجتماع نظر داشته و منشاء جامعه را فرد می‌داند (ابراهیمی دینانی، نقل از بیومی، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۴۵). او در تربیت حی همواره سوی نگاهش به سمت تربیت فردی و اتکای به خود فرد است. در این مسیر او فرد را آموزگار خویش به حساب می‌آورد (همان). چرا که به نقش تجربه فردی و شناخت فطری اهمیت می‌کند. این توجه ابن طفیل در دو موضع داستان حی بن یقظان به روشنی نشان داده شده است. اول در تربیت حی در جزیره خودش بعد از مرگ ماده آهو و رشد فردی او؛ دوم در ناامید شدن حی در تربیت اجتماعی مردمان جزیره تحت حاکمیت سلامان که در آخر حی مجبور به بازگشت به جزیره خود می‌شود تا در گوشه عزلت و تنهایی به عبادت مشغول شود و رموزات شهود را بر خود کشف گرداند (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳) بدین سان در تربیت مورد نظر ابن طفیل، گویی معلم انسان، خود انسان است و نقش خود انسان در تربیت، نقشی بی‌بدیل است.

۲- **اصل تکلیف:** در داستان حی بن یقظان در سه مورد به‌طور ویژه بر روی تکلیف تأکید شده است. اول در تکلیف فرد نسبت به حفظ خود در مسیر ادامه حیات که در این راستا خود-تربیتی^۱ یکی از اصول عمده طرح تربیتی ابن طفیل در داستان حی بن یقظان معرفی شده است (دایره المعارف بریتانیکا، ۲۰۱۵، ذیل واژه ابن طفیل)^۲؛ دوم تکلیف فرد در برابر اجتماع است. جایی که

1. Self_Education.

2. <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/Hayy-ibn-Yaqzan>. 257890.

Retrieved in:

حی به تربیت اجتماعی مردمان جزیره ابدال اقدام می‌کند و آن را بر خود تکلیف می‌داند؛ سوم تکلیف انسان نسبت به خداوند که از لوازم تهذیب نفس به شمار می‌آید. بدینسان تکلیف فردی، تکلیف اجتماعی و تکلیف الهی سه نوع تکلیف است که انجام آن در تربیت فرد لازم شمرده شده است.

۳- اصل تکامل: طرح تربیتی ابن طفیل متضمن رشد انسان بوده و رشد انسان جنبه‌ای تکاملی دارد. ابراهیمی دینانی موضوع حی بن یقظان را شرح و بیان مراحل رشد و تکامل انسان و مقصود نویسنده آن را تبیین کیفیت حصول معرفت می‌داند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۴۵) از این رو در طرح تربیتی ابن طفیل انسان بدون هیچ آموزگاری می‌تواند تا واپسین مدارج کمال بالا برود و حقایق را درک کرده و به عرفان حق دست یابد (همان). تکامل انسان در این طرح، طی سه مرحله تربیتی انجام می‌شود که شرح آن گذشت. در مرحله اول، لازم است تربیت انسان معطوف به ابعاد جسمانی او باشد. در مرحله دوم توجه به جنبه فکری و عقلی و در مرحله سوم توجه به تربیت باطنی معطوف است که رشد او را کامل کرده و کمال او را موجب می‌شود.

۴- اصل پیوستگی ظاهر و باطن: محوری‌ترین اصل تربیتی در داستان حی بن یقظان اصل پیوستگی ظاهر و باطن است (قمیر، ۱۹۸۶). چنانکه در این داستان سلامان مظهر ظاهر و ابدال مظهر باطن است. سلامان با اداره و حکومت بر جامعه، به تقویت دین توده عوام مشغول است و فقه ظاهریه را دنبال می‌کند. ابدال به اداره درون فردی مشغول است و رویکردی باطنی و عرفانی را پیش می‌گیرد (همان). در این باره در داستان آمده «ابدال در باطن شریعت ژرف‌تر و داناتر و از معانی روحانی آگاه‌تر بود. اما سلامان به حفظ ظاهر شریعت مایل‌تر و از تأویل دورتر و در تأمل محتاط‌تر بود.» (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳) از این رو ابن طفیل درصدد است تا با آشتی دادن بین فلسفه اشراقی و عرفانی از یک طرف و دین ظاهری از طرف دیگر بین عقل و دین رابطه ایجاد کند. این هدف ابن طفیل خالی از رفتار سیاسی او در ارتباط با خواست دولت موحدین نیست. به عبارت دیگر او درصدد احیای سنت غزالی از یک طرف و گره‌زدن آن با فلسفه ابن باجه از طرف دیگر است (قمیر، ۱۹۸۶).



۵- اصل فطری بودن شناخت: ابن طفیل فطرت و شناخت فطری در انسان را با ظرافت تمام در گفت و گوی میان اِبسال و حی در شناخت یکدیگر به تصویر کشیده است. جایی که حی مجموعه آموزه‌های وحی را که در دین اِبسال، به وسیله پیامبر او ارائه شده، با آنچه که در ضمیر و باطن فطری به وسیله او کشف شده مطابق و همسان می‌بیند. در این باره در بخشی از داستان آمده: «اِبسال همت بست تا تکلم و علم و دین را به او (حی) بیاموزد. در اثنای مرافقت، اِبسال پی برد که آنچه درباره خدا و ملائکه و کتب آسمانی و پیامبران و روز قیامت و بهشت و جهنم در دین و آیین او آمده مثال و نموداری است از آنچه حی مشاهده کرده است. لذا معقول و منقول در نظرش مطابق آمد و دانست که امور فطری در انسان مشابه هم است و در همه آیین‌ها یکی است» (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳) بدین سان ابن طفیل به اصالت فطرت در شناخت انسان تأکید ویژه‌ای می‌کند.

روش‌های تربیت

روش‌های تربیتی ابن طفیل در کل مسأله - محور است. چرا که او در این روش خواننده داستان تربیتی و فلسفی خود را به بوتۀ آزمایش می‌گذارد و دائم خواننده را با مسأله‌ای در مسیر رشد و تکامل مواجه می‌کند. فضای عمومی داستان به گونه‌ای است که مسأله‌ای در پی اتفاق می‌افتد. حی در جزیره‌ای فارغ از پدر و مادر و وجود هرگونه انسانی چشم به هستی باز می‌گشاید. کارش از گریه شروع می‌شود. در دامن موجودی دیگر به نام آهوپی پرورش می‌یابد که از جنس خودش نیست. بعد از مدتی همان ماده آهو را هم از دست می‌دهد. با طبیعت، مسأله و مشکلات متعدد در آن رو به رو می‌شود. حتی زمانی که به میان اجتماع و آدمیان آن پا می‌گذارد با مسأله و مشکلات آن‌ها مواجه است. این‌ها و وقایع متعدد دیگر که تا آخر داستان اتفاق می‌افتد، حاکی از روح مسأله - محور در داستان حی است. با این حال ابن طفیل روش‌های متنوعی را در سایه مواجهه با مسأله در داستان خود به کار می‌گیرد. با این مقدمه مؤلفه‌های مربوط به روش تربیتی ابن طفیل را در ادامه معرفی می‌کنیم.

۱- روش پرورش تجربه

در سراسر داستان، حی با مسأله و معماهای ساده و پیچیده مواجه می‌شود. گویی وجود مسأله

متعدد عوامل و پله‌هایی برای رشد و تکامل هستند که با قدم نهادن در هر یک، باب تجربه‌ای تازه و به همراه آن رشد سطح بالاتر به روی حی گشوده می‌شود. وی با تدبیر آن مسائل را یک به یک حل می‌کند و راهی تجربه سطح بالاتر می‌شود. در این رهگذر نوع مسائلی که حی با آن‌ها مواجه می‌شود در یک پیوستار قابل جمع است که در یک طرف آن مسائل حسی و طبیعی و در طرف دیگر آن مسائل فلسفی پیچیده و غامض در خصوص هستی‌شناسی، خداشناسی شناخت‌شناسی، انسان‌شناسی و اخلاق قرار دارد.

۱-۱- کسب تجربه در حرکت از محسوس به معقول: سیر تربیت حی نشان‌دهنده حرکت از محسوسات مادی به سمت امور معقول و باطنی است. مسیر حرکت از ظاهر به باطن است. مثلاً حی روح را بعد از مواجه شدن با جسد آهو کشف می‌کند. در کاوش برای یافتن پاسخ این سؤالات که چرا آهو دیگر حرکتی از خود نشان نم‌دهد، او ابتدا به مفروضاتی حسی و اولیه دست می‌یابد. در متن داستان آمده: «چون همه اعضای ظاهر او [را] به چشم آورد و در هیچیک آفتی آشکار نیافت ... در دلش افتاد که شاید آن عضو آفت رسیده از دیدار غایب باشد...» (ابن طفیل، ۳۹: ۱۳۸۱-۱۵۳) پس از مرگ آهو تربیت حی در یک زمینه حسی و در دل طبیعت شروع می‌شود و حی در مراحل بالاتر به مدد شناخت فطری به وجود باطن و معقولات پی می‌برد. از این رو حرکت تربیتی از محسوسات به سمت معقولات جریان دارد.

۱-۲- کسب تجربه در حرکت از ساده به مرکب: تربیت حی در جزیره از ساده‌ترین تجربه‌های یادگیری همچون نحوه استفاده از یک چوبدستی ساده برای دفاع شروع شده و به پیچیده‌ترین موقعیت‌های آن یعنی طرح سؤالات اساسی و فلسفی درباره روح و کیفیت آن، حدوث عالم، کیفیت شناخت، عالم روحانی و مراتب نفوس و شناخت اسباب و علل عالم پیش می‌رود. نحوه ساختن خانه، تهیه جامه و نعلین و درفش و سرنیزه در مراحل اولیه تجربه عملی او در تعامل با طبیعت قرار دارد تا اینکه به مراتب بالاتری از شناخت مثل طبقه‌بندی اشیاء به جمادات، نباتات، حیوانات و انسان پی می‌برد. عالم کون و فساد را شناسایی می‌کند و به ارتباط اجرام سماوی با طینت و طبع انسان واقف می‌شود.

۲- روش پرورش تفکر و تعقل: ابن طفیل تأکید فراوانی بر کسب معرفت از راه تفکر و تعقل دارد و آن را برتر از آگاهی از راه دین می‌داند و از این رو مقام حی را برتر و بالاتر از مقام ابدال دانسته است. زیرا حی از طریق عقل و اندیشه به مقام معرفت نائل شده، در حالی که ابدال از رهگذر دین به این مقام دست یافته است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۴۵) او معتقد است که از طریق تفکر و تأمل می‌توان به اسرار و رموز عالم عقل دست یافت و با موجودات روحانی و جهان ملکوت مأنوس شد (همان). از این رو او روش استقرا را که از مراتب تفکر و تعقل به حساب می‌آید در داستانش پی می‌گیرد. در کاربرد روش استقرا در بخش‌هایی از داستان با بحث‌هایی هستی‌شناختی مواجه می‌شویم؛ در بحث از اسباب و علل عالم و نیز حدوث و قدم آن. استدلال ابن طفیل در این زمینه به طریق استقرا انتظام یافته است. در این خصوص در داستان حی بن یقظان، حی وجود علت‌العلل را از امور جزئی عالم و موجودات جزئی موجود در طبیعت شناسایی می‌کند (ابن طفیل، ۱۳۸۱: ۳۹-۱۵۳) همچنین در بحث از حدوث و قدم، عالم را حادث می‌یابد و سرانجام به وجود واجب‌الوجود واقف می‌شود. در تمام این بحث‌ها شیوه استدلال ابن طفیل استقرایی است و در آن حرکت از جزء به کل تنظیم شده است.

۳- روش پرورش شهود^۱: حقایق شناخت برای حی به یکباره و در یک فرایند شهودی منکشف می‌شود. او با الهام از فطرت ذاتی و درونی خود و با اتکا به بیدار شدن فطرتش به ناگاه با حقایق شناخت اصیل آشنا می‌شود. از طرفی دیگر در مواجهه با ابدال بین رمزهای سمبلیک فراموخته خود و گزارش ابدال از آنچه که در دین او به وسیله پیامبرش ارائه شده، به یکباره متوجه نوعی مطابقت و برابری بین آن دو می‌شود و به این شیوه، حی از طریق بینش به کشفی نائل می‌شود.

ابن طفیل با هدف ایجاد توافق میان فلسفه، دین و عرفان به پردازش داستان فلسفی و تربیتی حی بن یقظان اقدام کرده است که دلالت‌های تربیتی مهمی از آن قابل دریافت است. در بررسی اندیشه فلسفی ابن طفیل در این داستان، در بعد هستی‌شناسی، در چینه هستی، نورالانوار در رأس هستی و در مراتب بعدی عقل اول و وجودات کثیره قرار دارد که متشکل

از اجزاء و عناصر جهان طبیعت هستند. در معرفت‌شناسی او فطرت، جهان طبیعت، وحی، عقل و شهود باطنی، منابع معرفت به شمار می‌آیند. در روش شناخت، ابتدا حواس ظاهری به کار می‌آیند، اما با گذر زمان مرتباً از راه تفکر و تعقل و آنگاه از راه تهذیب نفس و شهود به معرفت حقیقی نائل می‌شود. در بعد ارزش‌شناسی، سعادت حقیقی انسان در غایت وجودی او قابل جستجو است و آن در سایه اتحاد انسان با خداوند به عنوان منشاء هستی حاصل می‌شود. هدف مقدماتی تربیت کسب تجارب زندگی، هدف واسطی فعالیت فکری و عقلانی در مسیر شناخت خود، جهان و خداوند است. هدف غایی تربیت، رسیدن انسان به خداوند و مستغرق شدن در وجود او است. از اینرو در طرح تربیتی ابن‌طفیل، تربیت از امور حسی و ظاهری شروع شده و در مسیری عقلانی و شهودی ادامه پیدا می‌کند. بدینسان ادراک حسی توأم با عقل و شهود در یادگیری دخالت دارد. ابن‌طفیل به سه نوع تربیت فردی، اجتماعی و دینی اشاره می‌کند. اما تربیت فردی را همراه با تهذیب نفس مهم‌تر می‌داند. در این مسیر او از تربیت فردی آغاز می‌کند و به تربیت اجتماعی می‌رسد. با این حال بعد از تربیت اجتماعی رجعتی دوباره به تربیت فردی و سیر باطنی به عمل می‌آید. ابن‌طفیل به فعالیت و تلاش فردی به عنوان عامل رشد و تکوین شخصیت اهمیت می‌دهد. ارزش و اهمیت فرد و تربیت فردی در منظر او به وضوح نمایان است و در این مورد به خود - فعالی مرتباً توجه ویژه‌ای دارد. ابن‌طفیل به نقش محیط طبیعی در شکل‌گیری عواطف، احساسات و بیداری فطریات انسان معتقد است.

در طرح تربیتی ابن‌طفیل اصول فردیت، تکلیف، فطرت، تکامل و تأثیر متقابل ظاهر و باطن در تربیت انسان قابل شناسایی است و به تبع اصول یاد شده، کاربرد هماهنگ و تلفیقی روش‌های تربیت حسی و تجربی، فکری و عقلی و کشفی و شهودی توصیه می‌شود.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۶۷). *ابن طفیل، در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر موسوی بجنوردی، کاظم، ج ۴، ۱۳۰-۱۴۵، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی.
- ابن طفیل (۱۳۸۱). *حی بن یقظان*، ترجمه بدیع الزمان فروزان فر، تهران: علمی فرهنگی.
- حسن، محمود عباس (۱۹۸۳). *حی بن یقظان و روبنسون کروزو، ج ۱، بیروت: درسه مقارنه*.
- دهقان، ایرج. (۱۳۵۱). *ابن طفیل و پیام او در حی بن یقظان*، راهنمای کتاب، سال پانزدهم.
- صدیقی، بختیار حسین (۱۳۶۲). *ابن طفیل*، در کتاب: *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهیه و گردآوری میان محمد شریف، ترجمه احمد جلالی، زیر نظر نصر الله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیخ، سعید (۱۳۶۹). *مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی*، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران: خوارزمی.
- شمس الدین، عبدالامیر (۱۹۸۰). *الفکر التربوی عند ابن طفیل فی کتابه حی بن یقظان*، بیروت، لبنان، الشركه العالمیه للکتاب، مکتبه المدرسه.
- طاهری نیا، علی باقر و قیاسوند، پرستو (۱۳۹۰). *التناص القرآنی فی قصه حی بن یقظان لابن طفیل، فصلیه اللسان المبین، السنه (۳)، العدد (۵)، ۱۳۸-۱۵۱*.
- قمیر، یوحنا (۱۹۸۶). *فلاسفه العرب، ابن طفیل*، بیروت، لبنان: دارالمشرق.
- کاظم زاده، سید حسن (۱۳۹۳). *ابن طفیل و داستان حی بن یقظان، نگاهی به داستان حی بن یقظان و ابعاد فلسفی آن*، بازیابی شده در: ۱۳۹۳/۳/۴، <http://alarabee.mihanblog.com/page/3>
- محمود، الحلیم (۱۹۹۹). *ابن طفیل و رسالته (حی بن یقظان)*، قاهره: انجلو المصریه.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۰). *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: طهوری.
- Conrad, L. (1996). *The World of Ibn Ṭufayl: Interdisciplinary Perspectives on Ḥayy Ibn Yaqzān*, New York : E.J. BRILL.
- Frank, D. (1996). *Ethics*, in: Nasr S. H. & Leaman, O. *History of Islamic Philosophy*, (part II), London: Routledge, 55, 959-68.
- Goodman , L. E. (1972). *Ibn Tufayl's Ḥayy ibn Yaqzān: a philosophical tale*,

- translated, introduction & notes. New York: Twayne.
- Goodman, L. E. (1996). *Ibn Tufayl in: Nasr*. S.H. & leaman, O. History of Islamic Philosophy, (part I), London: Routledge. 22, 313-29.
- Hawi, S. (1973) Ibn Tufayl's Hayy Ibn Yaqzan, Its Structure, Literary Aspects and Methods, *Islamic Culture*, 47: 191-211.
- Hassan, N. M. (1980). *Hayy bin Yaqzan and Robinson Crusoe: A study of an early Arabic impact on English literature*, Al-Rashid House for Publication.
- Hawi, S. (1974). Beyond Naturalism: A Brief Study of Ibn Tufayl's Hayy Ibn Yaqzan, *Journal of the Pakistan Historical Society*, 22: 249-67.
- Hourani, G. (1956). The Principal Subject of Ibn Tufayl's Hayy Ibn Yaqzan, *Journal of Near Eastern Studies*, 15 (1): 40-46.
- Leaman, O. (2006). *The Biographical Encyclopedia of Islamic Phylosophy*, Volume (A – I), London: Thommes publication.
- Mcginnis, J. (2007). *Classical Arabic Philosophy: An Anthology of Sources*, U.S.A, Hackett Publishing Company.
- Russell, G. A. (1994). *The 'Arabick' Interest of the Natural Philosophers in Seventeenth-Century England*, U.S.A: Ej. Brill, Leiden, The Netherlands.
- <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/257890/Hayy-ibn-Yaqzan2015>, Britannica Encyclopedia.

An Investigation of Ibn Tufail's Philosophical Thought in Hayy ibn Yaqdhan Novel and its Implications

Ali Sattari¹

Assistant professor, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

The aim of this study was the investigation of Ibn Tufail's philosophical thought in his novel “Hayy ibn Yaqdhan” and the implications of it. Analytical - deductive research methods were used. First of all, the novel was explained and the philosophy of Ibn Tufail and its reflections in the story were analyzed and then the implications were deduced from the existing evidence in the story. The results indicated that Ibn Tufail's thought in Hayy ibn Yaqdhan story was mainly affected by the situation of his time when the argument between supporters of philosophy and religion (reason and religion) was at its peak. Therefore, it was concluded that his purpose of writing Hayy ibn Yaqdhan was the explanation of these arguments. The story is an answer to the ideas of Ibn Sina, Farabi, Ibn Bajja and Al-Ghazali who were the most important philosophical arguers of that time. In this regard, Ibn Tufail blends elements of wisdom, revelation and mysticism together and presents an integrated plan for educating human from childhood to the old age in which there is the reconciliation of philosophy, religion and mysticism. In Ibn Tufail’s educational plan, the goal of education is knowing God and getting closer to him. Education in Hayy ibn Yaqdhan story has three aspects of individual, social and religious education among which individual training is the most important one. Principles of individuality, responsibility, development and linkage between appearance and reality can be deduced from his educational plan. Based on these

1. alisattari@alzahra.ac.ir



principles Ibn Tufail employed the training methods of experience, reflection, reasoning and intuition in the story of Hayy ibn Yqtan.

Keywords

Philosophical thought; Ibn Tufail; Hayy ibn Yaqdhan; Educational implications